

تعامل بی بدیل امام صادق (ع) با ادیان و مذاهب

<?xml encoding="UTF-8?">

قامت رسای پیشوایان سترگ شیعه، سپر هر بلا بود تا اسلام بماند و راهیان قرون، هماره از سرچشمه زلال اسلام راستین سیراب شوند و این تابش ششمین خورشید آسمان امامت بود که به مقتضای موقعیت، کران تا کران را از انوار خود بهره مند کرد.

آری، باید اسلام را در خون مطهر حضرت امام حسین علیه السلام و بیان آن را در آموزه های امام جعفر صادق علیه السلام دید. نهضت علمی صادق آل رسول صلی الله علیه و آله، افق معارف اسلام را چنان گسترش داد که هیچ گاه توطئه های دشمنان، نتواند جلوی انوار معرفت را سد کند.

17 ربیع الاول، سالروز ولادت با سعادت رسول مهر و محبت، و فرزند برومندش، صادق آل طه، فرصت مناسبی بود تا مرکز خبر حوزه، پاسخ سؤالات خود را از یکی از شاگردان مکتب امام صادق علیه السلام بگیرد. آن چه در پی می آید، حاصل گفت وگو با حجة الاسلام والمسلمین جعفر الهادی (خوشنویس) از اساتید حوزه علمیه قم است.

سؤال. در مورد ویژگی های عصر امام صادق علیه السلام و حضور آن حضرت در عرصه های علمی توضیح دهید.

امام صادق علیه السلام در دوران ویژه و مناسبی قرار داشتند که امامان دیگر از آن کمتر برخوردار بودند. دوران زندگی ایشان با آرامش نسبی همراه بود، چون دورانی بود که حکومت از گروهی به گروهی دیگر منتقل می شد و این دو گروه متخاصم، با هم درگیر بودند و با مدینه، که پایتخت فرهنگی و پایگاه اسلام بود، کاری نداشتند؛ لذا بین سال 115 تا 148، که سال شهادت امام صادق علیه السلام بود، فرصت خوبی برای امام علیه السلام فراهم شد تا شاگردان زیادی را تربیت کنند و از طرف دیگر، آن حضرت فرصت کار سیاسی و نظامی تند نداشتند، چون بنی العباس به نام ائمه علیهم السلام آمده بودند و اهل بیت علیهم السلام را ابتدا به عنوان صاحبان حکومت معرفی کردند، ولی بعد از چندی، خودشان را صاحبان اصلی حکومت دانستند؛ به همین دلایل، در اوایل حکومتشان با اهل بیت علیهم السلام کاری نداشتند، تا زمانی که منصور بر سر کار آمد. او عقیده داشت که امام صادق علیه السلام، تهدیدی برای حکومتش است، اگر چه داعیه حکومت نیز نداشته باشد؛ لذا اذیت و آزار امام صادق علیه السلام را شروع کرد؛ البته خیلی در این اذیت اصرار نمی کرد، چون آغاز حکومت بود و موضع او قوی نبود؛ لذا امام صادق علیه السلام فرصت خوبی برای نشر معارف به دست آورده بودند.

اگر اهل بیت علیهم السلام در این شرایط، وارد کار سیاسی تند، مثل قیام مسلحانه می شدند، یقیناً آن ها را می کشتند؛ لذا حضرت با صلاحدید، کار علمی را شروع کرده و فعالیت در مدرسه علمیه ای که پدر بزرگوارشان تأسیس کرده بودند را ادامه دادند و دانشمندان و دانش دوستان را به خود جذب کرده و فضای مدینه را فضایی علمی کردند و از آن جایی که آموزه های امام صادق علیه السلام، همگی از پیامبر صلی الله علیه و آله بود، برای دانشمندان و دانش دوستان، جذاب تر می نمود؛ تا جایی که مسلم در «صحیح» خود، که دومین کتاب معتبر

اهل تسنن است، می گوید: جابر بن یزید جعفی، یکی از شاگردان اهل بیت علیهم السلام است و بزرگان از ایشان روایات فراوانی نقل کرده اند، ولی چون ایشان به رجعت اعتقاد دارند، اهل تسنن از او حدیث نقل نمی کنند، درحالی که او 70 هزار حدیث از امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله دارد. به هر حال، امام صادق علیه السلام، کار علمی را صلاح دیدند. ایشان، احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله را مطرح کرد و راه امام محمد باقر علیه السلام را ادامه و گسترش دادند؛ لذا پدر و پسر، کار علمی کردند. امام صادق علیه السلام 70 یا 90 هزار حدیث به جابر بن یزید جعفی یاد دادند و او را قسم دادند که این احادیث را بعد از بنی امیه نقل کند. امام صادق علیه السلام به او فرمودند: «لعنت خدا بر تو اگر این احادیث را تا زمانی که بنی امیه در رأس کار هستند، نقل و فاش کنی! چون این ها هم ما و هم تو را نابود نموده و شیعیان ما را اذیت می کنند، بنی امیه که رفتند، می توانی احادیث ما را بگویی»، و این حدیث که در «معجم الرجال الحدیث» وجود دارد، با مطلبی که مسلم بن حجاج بن قشیر نیشابوری (متوفای 265) گفته، مطابقت دارد. امام صادق علیه السلام، آن چنان احادیثشان دل نشین، و با منطق، فطرت و موازین شرع، همگامی داشت که می گفتند: «صادق الجعفر»؛ البته اسمای ائمه علیهم السلام از آسمان می آید و در حدیثی که پیامبر صلی الله علیه و آله به جابر بن عبدالله انصاری فرموده بودند آمده: «اسمای اهل بیت از سوی خدا می آید».

سؤال. چرا به آن حضرت، «صادق» می گفتند؟

اسم و کنیه آن حضرت از سوی خدا آمده، ولی مردم نیز امام صادق علیه السلام را با همین اسم صدا می زدند و این اسم آسمانی، مطابق با این توصیف شد. وقتی امام علیه السلام روایت می گفتند، مردم تشخیص می دادند که این روایات با روایات ابوهریره و فلانی و فلانی متفاوت است؛ حتی تفاوت آن ها از زمین تا آسمان است. الآن نیز اگر به کتب اهل بیت علیه السلام و دیگران مراجعه کنید، به قول مرحوم آیه الله العظمی بروجردی قدس سره، فاصله را به روشنی درک می کنید و بین احادیث اهل بیت علیهم السلام و احادیث دیگران، از نظر محتوا، نورانیت، صداقت و حقیقت، فرق وجود دارد و مردم، صداقت امام علیه السلام را دیده و به او «صادق» می گفتند و این دقیقاً همان اسمی بود که از آسمان برای امام علیه السلام آمده بود.

سؤال. حضرت در چه زمینه هایی به تربیت شاگردان مبادرت کردند؟

امام علیه السلام، بنا به علل مختلف در زمینه های مختلف، شاگردان بسیاری تربیت کردند؛ یکی از این دلایل، ورود علمای بزرگ از ادیان مختلف به مدینه و توسعه علوم و فرهنگ های مختلف در جهان اسلام و ورود علوم دیگر از یونان، مصر و ایران بود، که امام محمدباقر و امام جعفرصادق علیهما السلام را بر آن داشت، تا دایره علوم اسلامی را وسیع تر کنند.

ایشان از فقه، حدیث و تفسیر تجاوز کرده و علوم دیگر را به عرصه های علمی و فرهنگی وارد کردند. از سویی دیگر، بر اساس فتوحات زیاد اسلام، علوم و دانشمندان کشور های بزرگ، وارد بلاد اسلامی شده بودند و امکان خودباختگی مردم وجود داشت؛ هم چنین ممکن بود، فرهنگ اسلام را تحت الشعاع قرار دهند؛ لذا ایشان پزشکی، فضا و فلک، نجوم، ریاضیات، جبر و مهندسی را وارد علوم آن زمان کردند؛ بدین ترتیب، تنوع علمی در حوزه امام صادق علیه السلام، ایجاد شد.

هم چنین یکی دیگر از اقدامات امام صادق علیه السلام حرکت در جهت تخصصی کردن علوم بود.

امروز در دانشگاه های دنیا، تخصصی کردن مطرح است و تخصص، حرف اول را می زند، ولی در آن روزگار، حضرت علیه السلام، شاگردان خود را متخصص تربیت کردند؛ لذا عده ای در عقاید و جدال مذهبی، عده ای در طب، عده ای در علم جبر و... متخصص شدند؛ برای مثال، جابر بن حیان در 500 رساله ای که در ریاضیات دارد، در ابتدای کتاب می نویسد: این مطلب را از امام صادق علیه السلام فراگرفتم و در جای جای کتاب، «قال الصادق علیه السلام» را ذکر می کند.

هم چنین هشام بن سالم و هشام بن حکم، در مسئله مناقشه متخصص شدند و اعتقادات را بحث می کردند. ابوبصیر در کلام و برخی در امامت، جبر و اختیار و برخی در مسایل توحید و خدا شناسی تبحر داشتند. هم چنین برخی در فقه توانا بودند؛ برای مثال، حضرت به زراره دستور دادند: «در مسجد بنشین و فقه و حدیث بگو، که اهل سنت بدانند در شاگردان من، مرد قوی مثل شما وجود دارد» حضرت در ده رشته با شاگردان، تخصصی کار کرده و آن ها را ورزیده کردند.

سؤال. چه کتاب هایی درباره امام صادق علیه السلام، تا کنون نوشته شده است؟

کتاب «الامام صادق علیه السلام و المذاهب الاربعه» اثر اسد حیدر در 7 جلد، با تحقیق جدید مجمع جهانی و کتاب 80 جلدی سید محمد کاظم قزوینی، به نام «دایرة المعارف امام صادق علیه السلام»، که الآن 30 جلد آن چاپ شده، که در دو جلد اول، بیانات علمای اهل سنت و بزرگان آن ها درباره امام صادق علیه السلام آمده است. هم چنین کتابی از آقای عماد زاده و آقای جواد فاضل و حتی در مصر، کتاب های بسیاری نوشته شده و باید کتب درباره امام صادق علیه السلام را در یک دوره کتاب، به مردم و طلاب معرفی کنیم و این مسئله می تواند موضوع تحقیق طلاب نیز قرار گیرد.

مالک بن انس، بنیانگذار مذهب مالکی، از ایشان به عنوان «اعلم الناس» یاد می کند، چون ایشان آرای فقه های مذاهب و آرای مردم عراق و خود اهل بیت علیهم السلام را نیز می دانستند و به آرای کسانی که در مدینه بودند و از عقاید نحله های دیگر نیز اطلاع داشته و بر آن ها مسلط بودند؛ بر همین اساس، آن حضرت «اعلم الناس» نامیده شده بودند.

روزی مردم، مالک را دیدند و گفتند: کجا بودی؟ گفت: نزد «اعلم الناس». گفتند: به چه دلیل امام صادق علیه السلام اعلم الناس است؟ مالک بن انس در جواب گفت: چون علم مردم را در خود جمع کرده است. هم چنین ابوحنیفه از سوی برخی خلفای عباسی مأموریت پیدا کرد که امام صادق علیه السلام را در یک مجلس، مورد سؤال قرار دهد و ده سؤال آماده نمود تا امام علیه السلام را تحقیر و کوچک کند؛ لذا امام صادق علیه السلام را در مجلس بزرگی دعوت نموده و از ایشان سؤال کرد؛ امام علیه السلام جواب دادند: «آیا جواب خودتان را بگویم، یا اهل عراق، یا اهل قیاس، یا اهل مدینه یا اهل حدیث و یا جواب ما اهل بیت را می خواهید». از آن حضرت خواستند که پاسخ همه را بگو و ایشان همه را جواب دادند. بعد از این جلسه، منصور از ابوحنیفه پرسید: چه شد؟ آیا توانستی او را کوچک کنی؟ ابوحنیفه گفت: چه می گویی؟! این آقا، نه فقط نظر ما را گفت و ده سؤال را جواب داد؛ بلکه برای چهل سؤال من، سه جواب داد، یعنی 120 جواب برای 40 سؤال، که این امر، خارق العاده است.

سؤال. حضرت چند شاگرد داشتند؟

در تعداد شاگردان حضرت، سه نقل وجود دارد، چون ایشان دو سال که در عراق بودند نیز جذب دانشجو کردند و حتی در کوفه نیز مجلس درس داشتند، لذا 900 نفر روایت کردند که همه از استادشان، امام جعفر صادق علیه السلام نقل می کنند و نیز بر اساس روایتی، 4 هزار نفر، شاگرد مکتب امام علیه السلام بودند که این روایت را ابن عقده نقل کرده و می گوید: شاگردان ثابت حضرت، 4 هزار نفر بودند. برخی می گویند: امام 20 هزار نفر شاگرد داشت، ولی گویا 4 هزار نفر ثابت بوده و بقیه شاگردان، مدتی بعد از تحصیل، می رفتند. امام صادق علیه السلام 25 سال، صبح تا غروب درس داشتند و مذهب حقه جعفری و شیعیان، مدیون تبیین معارف دینی از سوی ایشان هستند.

سؤال. چرا به تشیع، مذهب جعفری نیز می گویند؟

چون اکثر روایات اهل بیت علیهم السلام، از امام صادق علیه السلام روایت شده و هیچ امامی این قدر فرصت پیدا نکرد و ائمه اطهار علیهم السلام چنین آثاری نداشتند. بنده معتقدم و توصیه می کنم، اگر از مذهب شیعیان در سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس یا کشورهای عربی پرسیده شود، بهتر است آنان بگویند: «انا جعفری». در مصر و حتی در الازهر، کرسی درس جعفری وجود دارد و اهل سنت، پیروان امام صادق علیه السلام را به عنوان جعفری می شناسند، نه شیعه؛ لذا مرحوم زنجانی با سفر به مصر، تحولاتی را در آن جا به وجود آورد، که از جمله آن، تأسیس کرسی «جعفری» در دانشگاه الازهر مصر بود و هم چنین منطقه ای به نام «جعافره» در کشور مصر وجود دارد که همه جعفری هستند و باید سعی کنیم اخلاق، علم، دانش و سلوک ما نیز مثل امام صادق علیه السلام باشد.

سؤال. شاگردان آن حضرت، چه کتبی را تألیف کردند؟

«اصول اربع مائه» کتاب های ارزشمندی هستند که از شاگردان امام صادق به یادگار مانده اند. این کتاب ها شامل سؤالاتی می باشند که دانشمندان و شاگردان، از امام صادق علیه السلام می پرسیدند؛ لذا اصول اربع مائه، اصل هایی هستند که شاگردان امام صادق علیه السلام نوشته اند. مرحوم کلینی در سال 390 هجری قمری، این اصول را جمع کرده و دسته بندی نموده است و این اصول، از حالت کشکولی و متفرقه خارج و به زیباترین کتاب، تحت عنوان اصول کافی، فروغ کافی و روضه کافی نوشته شد؛ لذا این سه کتاب از همان کتاب های اربع مائه تألیف شده اند، و علاوه بر این، شاگردان آن حضرت، کتب بسیاری در علوم مختلف نگاشته اند.

سؤال. نقش حضرت در احیای معارف قرآنی و توجه ایشان به استدلال ها و محوریت قرآن در تدریس، چگونه بود؟

پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی که از دنیا رفتند، «ثقلین» را امانت گذاشتند. شایان ذکر است، حدیث ثقلین در «صحیح مسلم» وجود دارد. قرآن بدون اهل بیت علیهم السلام، تفسیر صحیحی نمی شود و امام راحل نیز مکرر می گفت: «به قرآن و اهل بیت علیهم السلام توجه کنید»؛ لذا امام صادق علیه السلام، عدل قرآن بوده و اعتقاد به برهان داشتند، آن هم با قرآن؛ لذا در مباحث، به قرآن استدلال می کردند. اهل بیت علیهم السلام به قرآن

اهتمام داشته و صحبت های خود را به قرآن مستند می کردند، لذا حوزویان باید همت کنند در عقاید، فقه و اخلاق، مانند امام صادق علیه السلام، استنادات به قرآن را بیشتر کنند و حتی استنادات حضرت به قرآن در علوم مختلف را استخراج نموده و در کتاب جداگانه ای بیاورند.

سؤال. شیوه عملی در درس و بحث امام صادق علیه السلام چگونه بود؟

شیوه عملی امام علیه السلام، خوش برخوردی حتی با غیر مسلمانان بود. امام همواره با مالک بن انس و ابوحنیفه و همه طرف داران آن ها، با احترام برخورد می کردند. امام صادق علیه السلام همه را مجذوب خود می کردند. چون با منطق، دلیل و عقل و به طور شفاف و وجدانی بحث می کردند، طرف مقابل نیز مجاب می شد و ایشان اصلاً نظر خود را تحمیل نمی کردند و دیگران آرام آرام مجذوب حضرت می شدند و مردم، اخلاق امام صادق علیه السلام را می پسندیدند. امام صادق علیه السلام به کسی فحش ندادند، نورانی و خوش اخلاق بودند و خانه ایشان پاتوق افراد و مذاهب مختلف بود و در خانه حضرت، حتی کمونیست ها و مادی گرایان آن زمان، رفت و آمد داشتند. ایشان با جلالت و هیبت، دریای دانش و کوه علم بودند. روایات «شیعتنا» که خطاب آن حضرت به شیعه است را باید گردآوری کنیم، چون شیعه را امام صادق علیه السلام معرفی کرده و اهل بیت علیهم السلام هرگز شیعیان را رها نکرده اند. ایشان برای شیعیان برنامه داشتند. من به طلاب توصیه می کنم، تمام مناظرات امام صادق علیه السلام را جمع کنید و تکنیک مناظره را یاد بگیرید.

سؤال. در مورد جایگاه علم در نظر امام صادق علیه السلام و توجه آن حضرت به معارف توضیح دهید.

روایات فراوانی در خصوص علم آموزی از آن حضرت وجود دارد و در برخی روایات، 30 صفت مهم برای علم و عالمان درج شده و برای ارزش علم و نقش آن، برای سعادت انسان در دنیا و آخرت، روایات فراوانی داریم و حتی پیشرفت اروپا، به خاطر علم اهل بیت علیهم السلام است و جهان، مدیون امام صادق علیه السلام است و پس رفت ما به خاطر ترک علم اهل بیت علیهم السلام است؛ حتی روایت داریم که: هلاکت امت اسلامی در ترک علم است. متأسفانه ما دیر متوجه قرآن، که کتاب علم است، شدیم. دوری از معارف اهل بیت علیهم السلام، ما را به این جا کشانده و اروپا پیشرفت کرده است. هیچ کتابی مانند قرآن، این چنین درباره علم، آسمان، زمین، پرنده، انسان و تاریخ صحبت نکرده است. قرآن، کتاب عجیبی است و حقایقی گفته که بشر، هم اکنون دوران کودکی خود را در توجه به آن، می گذراند.

سؤال. چرا امام صادق علیه السلام از شیوه های علمی و نرم افزاری برای تبلیغ دین استفاده کرد؟ و با وجود شاگردان زیاد، حرکت نظامی انجام ندادند؟

چون بنی العباس، فرزندان عباس، عموی پیامبر صلی الله علیه و آله بودند و اهل بیت علیهم السلام را با وجه شرعی می کشتند. در حالی که ادعای اسلام و ایمان داشتند، ائمه علیهم السلام را می کشتند و دلیل شرعی می آوردند که فلانی باید کشته شود؛ البته امام صادق علیه السلام از ظلم و ظالم، بی زاری می جستند، ولی علنی نمی گفتند؛ حرکت ها و قیام ها را تأیید کرده و از خانواده شهدای آن روز، حمایت مالی و معنوی می نمودند، که این نوعی جهاد است.

سؤال. در حلقه علمی آن حضرت، معمولاً چه افرادی شرکت داشتند؟

در حلقه درس معارف اهل بیت علیهم السلام، افرادی باید باشند که مقامات و عصمت امامان را درک کنند و هرکسی، این جایگاه را تحمل نمی کرد و این ظرفیت را نداشت؛ لذا گروهی که معتقد و مؤمن واقعی بودند، مثل ابوبصیرها، هشام ها و خواص، در حلقه درس خصوصی امام علیه السلام حاضر می شدند و حضرت آن ها را تربیت کرده و علوم را به آن ها یاد می دادند؛ البته حلقه دیگری وجود داشت که مردم معمولی و شیفته اخلاق و رفتار حضرت آمده و سؤالات روزمره را می پرسیدند؛ لذا خانه امام صادق علیه السلام، دانشگاه بین المللی بود که درب آن به سوی همه اقوام، مذاهب و نگرش ها باز بود و همه را سیراب می کرد.

سؤال. مهدویت از دیدگاه حضرت امام صادق علیه السلام چه جایگاهی داشت؟

بخشی از روایات مهدویت، از زبان امام صادق علیه السلام است و ایشان بسیار ابراز اشتیاق به حضرت مهدی علیه السلام می کردند. مهدویت امر بسیار مهمی است؛ باید در این زمینه دقت کرد، چون مطالب عمیق و جالبی در این موضوع وجود دارد و امروز بشر از همه مأیوس شده و از غرب برگشته و ادعاهای دورغین «ایسم» ها و «اسم» ها را کنار زده؛ بر خلاف آن ها، اهل بیت علیهم السلام حرف های منطقی و مستدل در این خصوص دارند، که باید مردم را به سوی آن ها جذب کنیم، و اگر مردم جهان، حقایق معارف اهل بیت علیهم السلام، به ویژه مهدویت را درک کنند، به سوی آن ها می شتابند و این وظیفه حوزویان است که این جایگاه را به جهانیان معرفی نمایند.

سؤال. حوزه در صیانت از جایگاه امام صادق علیه السلام چه رسالتی دارد؟

امروز حوزه های علمیه، در ادامه حوزه امام صادق علیه السلام و امام باقر علیهما السلام هستند و اگرچه در شیوه لباس و درس و کتاب ها تغییر ایجاد شده، ولی جوهره همان است و گسترش این حوزه ها در امتداد حوزه های حله، کربلا، سامرا، خراسان و ... است و در عصر حاضر، حوزه علمیه قم، ادامه دهنده همان راه است و وظیفه ما نیز معلوم است؛ باید در راستای هدف امام صادق علیه السلام، حوزه را نگه داریم و تحقیقات را زیاد کنیم و با دلیل حرف بزنیم. بنده مطمئن هستم این حوزه ها مد نظر اهل بیت علیهم السلام است و اهل بیت علیهم السلام از این حوزه، کار و فعالیت می خواهند و آن ها را حفظ می کنند. ما باید متوجه باشیم که قداست حوزه و مراجع دین حفظ شود، چون روایات حدیث اهل بیت علیهم السلام هستند. مراجع امروز ما، شاگردان امام صادق علیه السلام و سربازان معنوی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند. هم چنین باید کتاب هایی که درباره شخصیت امام صادق علیه السلام است را به طلاب معرفی کرد، تا بیشتر با فعالیت های ایشان آشنا شوند. در این راستا پیشنهاد می کنم در ایام ولادت امام صادق علیه السلام، نمایشگاه ویژه کتاب امام صادق علیه السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دایر شود.

سؤال. چرا دشمنان، وجود ایشان را تحمل نکردند؟

امام صادق علیه السلام جاذبه ای داشتند که اگر امام را راحت می گذاشتند، دنیای اسلام، جذب اهل بیت علیهم السلام می شدند و فقط وجود امامان، کافی بود، تا انسان ها جذب ایشان شوند، چون همگی، صحبت ها و

معارف عمیق و بکری در همه زمینه ها، داشتند و مطالب نو را همراه با استدلال بیان می کردند، همواره از حاکمان زمانه، استقلال داشتند و این موضوع برای مردم، مسئله بسیار مهمی بود؛ در واقع، این استقلال، سبب جذب مردم بود؛ لذا حتی اگر کار سیاسی نمی کردند، باز حاکمان نمی خواستند این ها زنده باشند؛ لذا اهل بیت علیهم السلام، مورد آزار این حاکمان قرار گرفتند، اما همه امامان برای مردم، مایه خیر و برکت بودند؛ حتی وقتی خبر شهادت امام صادق علیه السلام به منصور رسید، با وجود خباثت تمام، گفت: با رفتن امام صادق، فقه و فقاقت رفت.

سؤال. وظیفه امروز حوزه علمیه چیست؟

ما در قم، حوزه نسبتاً جوانی داریم. علمای قم، وارثان علمای قبل هستند و باید دو کار انجام دهیم: یکی توجه به تهذیب و اخلاق، که باید بکوشیم درس اخلاق حوزه، قوی تر برگزار شود و ما از نظر اخلاق، فقیر هستیم و دیگری توجه به علم است؛ متأسفانه افت علمی داریم و در مواجهه با دنیای امروز، باید حداقل هزار متکلم و هزار فقیه داشته باشیم تا در برابر هجمه های اینترنت، ماهواره و شبهه های ایجاد شده مقاومت کنیم و باید با قدرت بیشتر به علم پردازیم و جنبه اخلاقی و علمی را در حوزه تقویت کنیم.

سؤال. از این که وقت خود را در اختیار مرکز خبر حوزه و هفته نامه افق حوزه قرار دادید، متشکرم.

من نیز به نوبه خود از شما تشکر می کنم. این هفته نامه را هر هفته می خوانم و تمام خانواده ام نیز آن را مطالعه می کنند هفته نامه وزین و شایسته ای است که اخبار حوزه و حوزویان را دریافت کرده و به اطلاع همگان می رساند.

این هفته نامه، همه بایسته های حوزوی را در خود حفظ کرده و توانسته منبع و مرجع اخبار حوزه های علمیه در سراسر کشور باشد و مورد اعتماد مراجع و بزرگان حوزه است. هم چنین لازم است مرکز خبر حوزه و هفته نامه حوزه، به عنوان رسانه حوزوی گسترش یابد.